



گزارش‌ها

تحلیلی بر گزارش:

«استراتژی روسیه برای قرن بیست و یکم»

شورای سیاست دفاعی و خارجی روسیه^۱ در آخرین گزارش خود تحت عنوان «استراتژی روسیه در قرن بیست و یکم: تحلیل اوضاع و پیشنهادات»، به تشریح موقعیت روسیه در صحنه داخلی و خارجی در آستانه قرن بیست و یکم و ارائه راهکارهایی برای تقویت این موقعیت در قرن آتی پرداخته است.^۲

با عنایت به اهمیت شورای فوق‌الذکر در تحلیل و جهت‌دهی تحولات داخلی و خارجی روسیه و ترکیب قوی آن، نظرات این شورا همواره قابل توجه و امعان نظر می‌باشد.^۳

۱. «شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه» مطابق اسامنامه خود «سازمان اجتماعی سیاستمداران، کارفرمایان، کارمندان دولت، نمایندگان رسانه‌های گروهی و دانشمندان است که هدف مساعدت به تدوین و اجرای نظریات استراتژیکی توسعه روسیه و سیاست خارجی و دفاعی کشور را دنبال می‌کنند». اعضای این شورا را سرشناس‌ترین شخصیت‌های سیاسی (در وزارت خارجه، دولت، ریاست جمهوری و پارلمان)، نظامی، چهره‌های علمی و آکادمیک، ارباب جراید و رسانه‌های گروهی تشکیل می‌دهند.

۲. مشروح این گزارش در روزنامه «نزاویسیمایا گازتا»، مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۹۸ منتشر گردیده است.

۳. شورای غیردولتی سیاست خارجی و دفاعی روسیه تاکنون گزارشات ارزشمندی در رابطه با روسیه منتشر ساخته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. «نظریات شورای غیردولتی سیاست خارجی و دفاعی» در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۹۲. این گزارش به بررسی وضعیت روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی پرداخته و راهکارهایی را برای برخورد مناسب رهبران جدید روسیه با مسائل پیشنهاد نموده است؛

۲. «استراتژی برای روسیه» در تاریخ ۲۷ ماه مه ۱۹۹۴؛

۳. «آیا اتحاد شوروی احیا خواهد شد؟» در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۹۴؛

۴. گزارش فعلی یعنی «استراتژی روسیه در قرن ۲۱»؛

۵. شورای مذکور قصد دارد، گزارش ویژه‌ای در خصوص مناسبات روسیه و آمریکا منتشر نماید.



بدیهی است، تحلیل وقایع در کشوری نظیر روسیه از سوی تعدادی از سرشناس‌ترین شخصیت‌های علمی و اجرایی روسیه و برداشتهای آنان از روند وقایع در این کشور می‌تواند برای کارشناسان و آگاهان مسائل روسیه در کشورمان قابل توجه و بهره‌برداری باشد.

در ابتدای این گزارش پس از اشاره به اینکه «از انتشار گزارش شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه به نام «استراتژی برای روسیه» در ۲۷ مه ۱۹۹۴ تاکنون؛ در جهان و در روسیه تحولات زیادی صورت گرفته» شاخصهای عمده تحولات در سالهای اخیر ذکر گردیده است: - روسیه در این سالها هم در جستجوی نقش خود در سیاست جهان و هم در حال تغییر نظام دولتی و اجتماعی خود بوده است؛

- سیاست خارجی روسیه بتدریج از گرایش به غرب به طرف همکاری متعادل‌تر با همه کشورها روی آورد و در عین حال اولویت خود را مشارکت استراتژیک با کشورهای توسعه‌یافته مهم قرار داد؛

- گرچه جهت‌گیری غربی سیاست خارجی روسیه موفقیت‌های قابل توجهی در خصوص همگرایی با نهادهای کلیدی سیاسی - اقتصادی آمریکا و اروپای غربی به همراه داشت اما غرب با استفاده از ضعف موقت روسیه به پیشبرد مقاصد کوتاه‌بینانه و مغرضانه خود پرداخت. غرب، رهبران ملی را به دوری از مسکو تشویق نمود و ناتو را گسترش داد؛

- خسارات و هزینه‌های عظیمی که صرف اصلاحات شده بهره زیادی نداشته است. بزرگترین شکست ریاست کنونی و همه‌نخبگان کشور، عدم قابلیت طراحی و اجرای استراتژی معقولانه رشد اقتصادی بوده است؛

- تلاش برای یافتن «هویت جدید روسی» و «اندیشه نوین روسی» هنوز نتیجه نداده؛

- در روسیه بحث در خصوص ژئواستراتژی رواج یافته اما فاقد اصالت است.

- روند همگرایی روسیه با جهان و استراتژی الحاق به فضای اقتصادی و اطلاعاتی

جهانی با تأخیر مواجه شده است؛

- نتیجه واقعی توسعه روسیه در سالهای اخیر عبارت‌اند از:

- عدم وجود جنگ داخلی

- حفظ دموکراسی نوظهور

- اجتناب از غربگرایی کامل فرهنگی و حفظ فرهنگ روسی
گزارش سپس به اوضاع داخلی روسیه پرداخته و با اعتراف به وجود «بحران عمیق و همه‌جانبه» در روسیه، آن را ناشی از عوامل ذیل می‌داند:
- گذر از یک نظام به نظام دیگر و عدم تکمیل نظام دوقطبی جدید؛
- رهایی سریع از نظام توتالیتر سیاسی و حکومت اداری در اقتصاد؛
- فقدان اداره سیاسی رهبران کشور و عدم پختگی طبقه سیاست‌ساز جدید؛
- تضعیف و گسستگی روابط در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی سابق؛
گزارش در ادامه، مظاهر آشکار بحران را در اشکال سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و علمی - فنی آن به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

بحران سیاسی - اجتماعی

- تضعیف قابل توجه اقتدار دولت و انضباط دولتی؛
- عدم اصلاح نظام اداری توتالیتر به نحوی که منافع گروهی و نهادی بر منافع ملی ارجحیت دارد و اتخاذ تصمیمات استراتژیک در کشور با موانع زیادی روبه‌روست (به دلیل وجود ارگانهای بی‌شمار تصمیم‌گیر)؛
- ضعف نهادهای جدید دموکراتیک؛
- نخبگان به اشتراک منافع خود با منافع ملی پی نبرده و فعالیت آنها در این جهت نیست، حاصل آن درگیری دائمی قوای مجریه و مقننه است؛
- اوضاع جمعیتی و کاهش روند جمعیت بویژه در مناطق دورافتاده شمال و خاور دور نگران‌کننده است. این مناطق ذخیره استراتژیک روسیه بوده و می‌توانند به منطقه آسیب‌پذیری اقتصادی کشور تبدیل شوند. سرزمینهای آسیایی روسیه بجای اینکه منبع رشد باشند، می‌توانند منبع بی‌ثباتی شوند؛
- چچن به کانون بی‌ثباتی درازمدت تبدیل شده و طی دهها سال روسیه را به خود مشغول خواهد کرد و بحران آن به دیگر مناطق همجوار بویژه داغستان می‌تواند سرایت نماید.
- جنایی شدن جامعه روسیه و بزهکاری سازمان یافته که در حال نفوذ در زندگی

سیاسی و اقتصادی کشور است؛

- اپیدمی مواد مخدر و عدم توانایی جامعه روسیه برای مقابله با آن؛

بحران اقتصادی

- افت شدید تولیدات صنعتی؛

- کاهش روند سرمایه‌گذاری و نوآوری فنی؛

- اتکای اقتصاد به مواد خام؛

- قطب‌بندی خطرناک جامعه از نظر درآمد به نحوی که تشکیل یک طبقه متوسط

بزرگ در آینده قابل پیش‌بینی غیرممکن است؛

- ساختار نامتعادل تجارت خارجی؛

- افزایش شدید وابستگی اقتصادی - طی ده سال آینده - تولید ناخالص ملی روسیه به

میزان دو درصد تولید جهانی خواهد رسید.

- فساد مالی گسترده ناشی از:

- سرعت استحاله کشور؛

- روند خصوصی‌سازی؛

- ناقص بودن مقررات و قوانین بازار؛

- بوروکراسی بویژه در سطح مناطق؛

- ضعف ارگانهای قضائی؛

- بحران بدهی‌های روسیه که روند روبه‌تزايد دارد؛

بحران علمی - فنی

- روسیه از نظر فکری به حاشیه‌نشین تبدیل شده و بایستی طراحی استراتژی علمی

صورت گیرد؛

- افت توان علمی و فنی روسیه در عرصه‌های غیرنظامی؛

- خروج تدریجی روسیه از روند ارتباطی جهانی.



«شورا» معتقد است که در عین حال گرایش‌ها و ظرفیتهای مثبتی نیز وجود دارد که می‌تواند ابزار خروج از بحران و انجام اصلاحات در کشور باشد. اهم آنها عبارت‌اند از:

- جذابیت روسیه برای سرمایه‌گذاری خارجی؛
- روسیه هنوز منابع معینی برای تأمین رشد و توسعه خود و حفظ وضع حقوقی «کبیر» را دارد؛

در ادامه، نگارندگان گزارش، امکانات روسیه برای نیل به هدف رشد و توسعه را اینگونه ارزیابی نموده‌اند:

- وضع حقوقی قدرت هسته‌ای؛
- حجم عظیم منابع طبیعی؛
- سطح بالای تحصیل و توسعه فرهنگی بخش قابل ملاحظه جمعیت؛
- ظرفیتهای بالا در زمینه‌های علمی - فنی و مواضع محکم در برخی صنایع؛
- میراث تاریخی و توان نفوذ باقی مانده از امپراتوری روسیه و اتحادیه شوروی؛
- وسعت زمین.

گزارش «شورا» پس از تشریح وضعیت داخلی روسیه، به ارزیابی سیاست خارجی این کشور می‌پردازد. در مقدمه این بحث، نگارندگان گزارش، دیدگاه و ارزیابی خود را از نظام جدید جهانی و ویژگی‌های شاخص آن ارائه می‌نمایند. این ویژگی‌ها، در واقع مبنای تحلیل و ارزیابی و نیز پیشنهادات اعضای شورا از سیاست خارجی روسیه است. به اعتقاد آنان، شاخصه‌های عصر جدید عبارت‌اند از:

روندهای اطلاعاتی - سیاسی و اقتصادی به سرعت حالت جهانی به خود می‌گیرد. نظام جهانی مابعد سرمایه‌داری با قواعد واحد توسعه یافته و کشورهای جهان ناچارند این قواعد را قبول کنند؛

جهانی شدن همه‌جانبه زندگی کشورها فرق بین سیاست داخلی و خارجی را از میان برده و اگر اوضاع خارجی در نظر گرفته نشود، همه کوششها در جهت تشکیل استراتژی ملی توسعه توسط جریانات جهانی و روندهای مالی تولید، اجتماعی برانداخته می‌شود؛ سیاست بیش از پیش از پیش حالت اقتصادی به خود می‌گیرد؛



جریان‌ات فزاینده مالی بیش از پیش از کنترل دولتها خارج می‌شود در عین حال، بحرانهای ناگهانی و کمتر قابل پیش‌بینی مالی می‌تواند ثبات سیاسی و اجتماعی مناطق بزرگ جهان را مختل کند. ظاهراً در سالهای آینده بحرانهای باز هم عمیق‌تری رخ خواهد داد؛ رشد جریان‌ات اطلاعات فرامرزی از کنترل دولتها خارج خواهد شد و اذهان مردم از نفوذ نهادهای سیاسی و دولتی ملی خارج می‌شود؛

دولت به‌عنوان یک نهاد دستخوش ضعف نسبی می‌شود. قدرت سیاسی به سازمانهای غیردولتی و از جمله بین‌المللی منتقل می‌شود؛

مناقشات بیش از پیش از عرصه روابط میان دولتها خارج و به عرصه مناسبات میان ائتلافات فراملیتی شرکتها و نیروهای اجتماعی منتقل می‌شود. مناقشات عمدتاً نه بین کشورها بلکه بر سر مسائل مشخص صورت می‌گیرد. با وجود همه کوششها ائتلافات و پیمانهای سنتی منحل می‌شود.

با وجود حفظ نقش روانشناختی و تا حدی سیاسی قدرت نظامی، نفوذ آن در سیستم مناسبات بین‌المللی (غیر از مناطق حاشیه‌ای و عقب‌مانده) افت می‌کند؛

بجای جهان تک‌قطبی و جهان کلاسیک چندقطبی، یک نظام متحرک چندسطحی بین‌المللی و بین‌دولتی ایجاد می‌شود که در چارچوب آن، مسائل اقتصادی در مقام اول قرار گرفته و راه‌حلهای چندجانبه و ایجاد نهادهای جدید بین‌المللی را ایجاب می‌نماید؛

در قالب این نظام، برنده آن است که بتواند خود را با سرعت با مقتضیات و تغییرات آن تطبیق دهد و از امکانات پیشرفته فکری، اطلاعاتی و ارتباطی برخوردار گردد. فعلاً آمریکا و بسیاری از شرکتهای آمریکایی به برکت استعداد تطبیق خود با شرایط جدید در این نظام برتری دارند؛ در کنار رهبران شناخته‌شده نظام جدید (آمریکا - ژاپن - اتحادیه اروپا - چین و برخی کشورهای جنوب شرقی آسیا) و چند کشوری که حالت میانی دارند، کشورهای دیگری هستند که برای همگرایی با نظام مابعد صنعتی حتی به عنوان عوامل تابعه یا تأمین‌کننده مواد خام شانس ندارند؛^۱

۱. «شورا»، بخش قابل توجهی از کشورهای آفریقایی، برخی دولتهای آسیایی نظیر افغانستان و چند کشور شوروی سابق را جزو این دسته از کشورها محسوب می‌نماید.



این کشورها بزرگترین چالش برای نظام جدید، مهمترین کانون تروریسم، پناهگاه بزهکاری، منبع خطر اشاعه سلاحهای کشتار جمعی و هستند. بسیاری از این دولتها هم‌مرز و یا نزدیک به - روسیه هستند و به این دلیل روسیه علاقه‌مند به طراحی استراتژی بین‌المللی در جهت جلوگیری از اشاعه سلاحهای کشتار جمعی است؛

در اوایل قرن ۲۱ نیاز به انرژی به دلیل افزایش تقاضا در برخی کشورها نظیر چین، شدت افزایش خواهد یافت، گرچه فن‌آوری جدید در بخش انرژی خواهد بود اما مسئله انرژی کماکان حاد خواهد ماند بویژه با توجه به بی‌ثباتی خلیج فارس. این امر، تشدید رقابت در خزر را به‌دنبال خواهد داشت؛

ضمن اعتقاد به خطرناک بودن سلاح هسته‌ای، دعوت به خلع سلاح کامل هسته‌ای نوعی «آرمانگرایی ارتجاعی» است. روسیه به دلیل ضعف کنونی، در آینده قابل پیش‌بینی، مایل به حفظ اتکای سیاسی و روانشناختی به سلاح هسته‌ای است. اسلحه هسته‌ای، خیال واهی دیگران برای سلطه بر جهان را خنثی می‌سازد؛

علی‌رغم اینکه توسعه سیستمهای ارتباطی جهانی و اشکال گوناگون مشارکت اقتصادی و مالی تا اندازه زیادی نقش فضای ژئوپلیتیکی را کاهش داده اما در شرایط حفظ دولتهای ملی، فضای ژئوپلیتیکی اهمیت خود را کماکان به‌عنوان یکی از شاخصهای سیاسی جهانی، حفظ اندیشه‌های قدیمی ژئوپلیتیکی همچنان زنده هستند؛

شاخصهای قدیمی نیرو و نفوذ در حواشی عقب‌مانده تمدن جدید مابعد صنعتی عمل می‌کنند و در مرکز این تمدن نیز اهمیت این عوامل حفظ شده است که علت اصلی آن، نیروی جبر فکری و باقی ماندن نهادهای نظام تمدنی سابق است؛

روسیه در مرز این دو دنیا قرار دارد و تضاد داخلی سیاست آن نیز از همین امر سرچشمه می‌گیرد. روسیه ناچار است که نظام دولتی خود را در شرایط گرایش جهانی به تضعیف دولت بسازد؛

آمریکا گرچه مدعی رهبری مطلق نظام در حال تکوین جهانی است اما امکانات



آمریکا برای تحمیل اراده و منافع خود به دیگر کشورها کاهش خواهد یافت؛ زیرا جهانی شدن روندهای اقتصادی امکان استفاده از برتری اقتصادی را محدود می‌کند، برتری هسته‌ای نقشی ندارد و در شرایط جدید برتری فزاینده در عرصه اسلحه متعارف بسختی به نفوذ سیاسی تبدیل خواهد شد؛

اتحادیه اروپا فعلاً نمی‌تواند مولد ابتکارات جدید در زمینه سیاست خارجی شود به دلیل:

- آهنگ بسیار محدود رشد بالقوه کشورهای اروپای غربی؛
- شدت مسائل داخلی آنها اجازه نخواهد داد که توان این کشورها در آینده نزدیک خارج رخنه کند؛ ولی در عین حال، نفوذ اتحادیه اروپا در حاشیه غربی روسیه افزایش خواهد یافت؛

خاور دور، چین و ژاپن بزرگترین منبع رشد و توسعه روسیه و در عین حال، عامل آسیب‌پذیری استراتژی روسیه است. بر این اساس، روسیه بایستی استراتژی مناسب توسعه سیبری را طراحی و از امکانات موجود در جهت بهبود مناسبات با چین و ژاپن استفاده کند.

رابطه با کشورهای مشترک‌المنافع از بزرگترین مسائل سیاست خارجی روسیه است در این رابطه روند تحولات به قرار ذیل ارزیابی می‌گردد:

- روندهای تجزیه و جدایی ادامه دارد؛
- تفاوت قوانین و مقررات و روشهای اقتصادی افزایش می‌یابد؛
- نظام اجتماعی این کشورها با هم تفاوت زیادی پیدا خواهد کرد؛
در این کشورها، خاندانها و طوایف سیاسی ضمن افزایش اختیارات خود در اراضی به دست آمده یکپارچه می‌شوند؛

- سطح و جهت‌گیری رشد اقتصادی کشورهای مشترک‌المنافع متفاوت خواهد بود؛
- افت تولید این کشورها ادامه خواهد یافت؛

- در حالی که جهان به کثرت‌گرایی ژئوپلیتیکی در سرزمین اتحاد شوروی اهتمام دارد، روسیه طی سالهای اخیر نه تنها استراتژی مناسب و جامع در رابطه با جامعه مشترک‌المنافع



ایجاد نکرده بلکه از طراحی سیاست مناسبات دوجانبه با این کشورها عقب مانده است؛
 - استراتژی روسیه در این منطقه تنها به امضای صدها سند توخالی محدود شده است.
 - طی سالهای اخیر جامعه مشترک المنافع نه تنها به فاصله گیری از روسیه روی آورده بلکه به نوعی گرایش به اعمال فشار بر روسیه در سیاستهای آنها مشاهده می گردد.
 گزارش سپس به تشریح محیط و فضای سیاست خارجی روسیه پرداخته و روندهای مثبت و منفی را در این ارتباط تشریح می نماید. به اعتقاد نگارندگان گزارش، «روندهای مثبت» در سیاست خارجی روسیه عبارت اند از:

شرایط خارجی توسعه روسیه را در مجموع می توان مثبت و مناسب خواند زیرا:
 - تجاوز خارجی روسیه را تهدید نمی کند؛
 - فشار آشکار نظامی سیاسی بر روسیه اعمال نمی شود؛
 - روسیه هم پیمان ندارد ولی دشمن نیز ندارد؛
 - با کشورهای بزرگ جهان روابط سالم و آمیخته به مشارکت برقرار شده است؛
 روسیه نیازی ندارد که خود را با نظامی گری تضعیف نماید ولی اگر روسیه ضعیف تر شود، وضع می تواند دگرگون شود؛
 - در شرایط جاری می توان طرح جدید مشارکت با نیروهای خارجی را که جوابگوی چالشها و امکانات جدید است پیاده نمود. ولی ده پانزده سال آینده این فرصت می تواند از دست رود.

طی سه سال اخیر سیاست خارجی روسیه چرخشی جدی و بسیار مثبت از تطبیق غیر معقولانه خود با غرب، به سوی استراتژی سنجیده تر انجام داد؛
 در شرایط ادامه بحران اقتصادی و کاهش توان کشور، دیپلماسی روسیه با توفیق مواجه شده است. مظاهر این توفیق عبارت اند از: فعال تر شدن در خاور دور، گسترش مناسبات با چین، اصلاح روابط با ژاپن، توفیق در خلیج فارس، افزایش نفوذ در خاورمیانه، فعال شدن در اروپا و نزدیکی با قدرتهای اروپایی و حفظ مناسبات و مشارکت سیاسی با آمریکا با وجود رشد عینی تضادها و اختلافات، شرکت در گروه ۸ و پیوستن به کلوپهای لندن و پاریس؛



اصلاح هماهنگی سیاست خارجی و از همه مهمتر ایجاد توافق عمومی در مورد مسائل اساسی تاکتیکی سیاست خارجی؛

دیپلماسی روسیه توانسته است تا حد زیادی نفوذ سیاسی خود را احیا نماید. اشتباهات گذشته را اصلاح و برای چانه‌زنی در آینده برگ برنده داشته باشد.

در عین حال، شورا «روندهای منفی» را نیز مدنظر قرار داده و آنها را اینگونه برمی‌شمارد:

روند توسعه ناتو آغاز شده و به احتمال قوی متوقف نخواهد شد. بویژه پس از اینکه سند روسیه به ناتو به آن مشروعیت بخشید؛

امکانات از دست‌رفته در جهت تقویت جامعه مشترک‌المنافع در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۹۵ جبران نخواهد شد؛

روسیه هیچ‌گونه سیستم مؤثر اطلاعاتی خبری بر جهان خارجی، اصلاح چهره کشور و تجاری آن ایجاد نکرده است در حالی که برداشت از چهره یک کشور، یکی از عوامل اساسی نفوذ و وسیله تعیین‌کننده و جلب سرمایه‌گذاری‌ها می‌باشد؛

سیاستهای روسیه بسیار سنتگرایانه بوده و پاسخگوی چالشهای جدید جهانی نیست و به همین دلیل از نیازهای کشور در جهان نوین عقب می‌ماند. مشکل اساسی این است که سیاست روسی نمی‌تواند به‌درستی از امکانات روسیه استفاده نماید که خود به دلیل عدم لیاقت و قابلیت عمومی رهبران کشور است. بروکراسی سنتی سیاست خارجی، از پس دستور روز بر نمی‌آید و سعی می‌کند کارهای خود را به سبک قدیم انجام دهد. آنها بیشتر به نظام «وستفالی» علاقه دارند تا به جامعه مابعد صنعتی؛

عدم برخورداری از استراتژی همگرایی سودمند و پیوسته با فضای ارتباطی و اطلاعاتی جهانی؛

عدم وجود استراتژی هماهنگ شده انرژی؛

عدم وجود استراتژی و سیستم همکاری بویژه با جهان خارجی در زمینه مبارزه با مواد

مخدر، بزهکاری و تروریسم؛

عدم وجود استراتژی همکاری اقتصادی با جهان خارج؛

اصرار بر ایده‌ها و دکترینهای قدیمی نظیر تأکید بر سیستم سراسری امنیت اروپایی، ضعف فزاینده سازمان امنیت و همکاری در اروپا بر همگان آشکار است. امنیت سراسری اروپا از جمله در بخش نظامی، در شرایط فقدان خطرات جنگی در این منطقه یک مفهوم ذهنی است.

جدایی سیاست خارجی روسیه از منافع مشخص اقتصادی کشور و نیز از منافع کمپانی‌ها و بانکهای روسی به عنوان عوامل اساسی این منافع. به عبارتی، عدم حمایت کلان و خرد سیاست خارجی روسیه از منافع کمپانی‌های روسی و گرایش به رفتار سوسیالیستی در این مورد.

گزارش، قبل از آنکه به ارائه پیشنهادات خود پردازد، چند نکته اساسی را در خصوص آینده روسیه بدین‌گونه پیش‌بینی می‌نماید:

۱. روسیه در راه رشد دموکراتیک گام خواهد برداشت و به توسعه نهادهای بازاری ادامه خواهد داد؛

۲. روسیه فرو نخواهد پاشید و دولت کثیرالمله فدراتیو با اشکال مناسب روابط و تفکیک اختیارات مرکز و مناطق ادامه خواهد یافت؛

۳. انتخاب سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ (پارلمان و ریاست‌جمهوری) به اندازه زیادی تعیین‌کننده رکود، انحطاط و یا تسریع در رشد روسیه خواهد بود.

پیشنهادات شورا

شورا در خاتمه، پیشنهادات خود را اینگونه ارائه می‌دهد:

- در سیاست داخلی، فلسفه برخورد بایستی بر مبنای بهبودی زندگی مردم روسیه مطابق با استانداردهای جهانی باشد؛

- در سیاست خارجی برخورد روسیه بایستی دارای عناصر ذیل باشد:

۱. روسیه نباید در پی پاسخ به تهدیدات کلیشه‌ای و تخیلی نظامی - سیاسی بلکه یافتن امکانات جدید اقتصادی باشد. از دست دادن امکانات به اندازه واکنش نامعقول به چالشهای نظامی - سیاسی و ژئواستراتژیکی خطرناک است؛

۲. گرایش به آینده عنصر دیگر برخورد جدید با مسائل است. بایستی همواره منافع ملی را مدنظر داشت. در منافع امروزی و آتی، با منافع ۱۰ یا حتی ۳۰ سال پیش تفاوت دارد؛

۳. برخورد جدید مستلزم تغییر در تفکر و ذهنیت نخبگان سیاسی کشور است و نه تغییرات اداری؛

- علاوه بر استراتژی رشد اقتصادی داخلی باید برنامه جامع ارتقای قدرت رقابت روسیه در اقتصاد جهانی و همگرایی روسیه با بازار جهانی را تدوین کرد؛

- در جهان نوین حتی انزوایی نسبی محکوم به شکست است. استراتژی جمع‌آوری و نگهداری توانایی‌ها باید با شرکت گسترده در نهادهای چندجانبه اقتصادی، انرژی، مالی، مبارزه با بزهکاری و مواد مخدر و ... همراه باشد؛

- پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی، احتیاط و تدارکات جدی را ایجاب می‌کند. در غیراین صورت ضربه زیادی به برخی بخشهای اقتصاد روسیه وارد می‌شود؛

- استفاده مؤثر از توان مواد خام و انرژی روسیه از عوامل مهم همگرایی روسیه با اقتصاد جهانی است؛

- سیاست خارجی باید در مجموع راه را برای تجارت داخلی هموار نماید ولی سرمایه ملی که می‌خواهد بر قدرت دولت تکیه کند باید «ملی‌تر» باشد. یعنی حاضر شود از کوششهای سیاست روسیه در جهت تحکیم مواضع خارجی دولت حمایت کند؛

- روسیه باید مبتکر ایجاد سازمان جهانی مبارزه با مواد مخدر شود؛

- اقتصادی کردن استراتژی کشور به معنای امتناع کامل از اتکاء بر قدرت نظامی نیست. این بخصوص برای روسیه مهم است. در شرایطی که جهان وارد تمدن ماوراصنعتی می‌شود، اکثریت کشورهای حاشیه جنوبی و جنوب شرقی روسیه بیش‌از پیش از این تمدن عقب می‌مانند. اوضاع این مناطق برای سالهای زیادی بی‌ثبات باقی خواهد ماند. خطر تجزیه‌طلبی در روسیه نیز هنوز از بین نرفته است. در این رابطه روسیه باید مسئله منسوخ شدن اصل حق ملتها برای تعیین سرنوشت خود تا حد جدایی و اولویت اصل تمامیت ارضی با حداکثر خودگردانی و خودمختاری را مطرح کند؛

- کاربرد نیروهای نظامی هنوز ضرورت دارد. به همین دلیل باید به ایجاد واحدهای نخبه نظامی که قادر به کنترل مناقشات در مقابل تجزیه‌طلبی بازدارنده هستند ادامه داد؛

- روسیه بدون اسلحه هسته‌ای قادر به چانه‌زنی در مسائل گسترده خود نیست و نمی‌تواند بدون آن مدعی اعتبار در میان قدرتهای بزرگ باشد. لذا در کنار کاهش توان استراتژیکی باید به نوسازی این نیروها پرداخته شود؛

- همگرایی با کشورهای شوروی سابق نبایستی روی کاغذ باقی بماند. تأکید بر مناسبات دوجانبه با دفاع شدید از منافع اقتصادی ملی باید جهت‌گیری و اصل اساسی سیاست خارجی روسیه نسبت به کشورهای مشترک‌المنافع شود. در این مورد دیپلماسی چندجانبه باید مکمل دیپلماسی دوجانبه و نه جایگزین آن شود. یکی از اهداف روسیه در این رابطه حمایت از حقوق روس‌زبانان است؛

- برخورد نظری با همگرایی باید دگرگون شود. همگرایی باید از پایین شروع شود. حمایت از همکاری و همگرایی باید جزئی از سیاست نهادهای دولتی روسیه شود. حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات، امور گمرکی، مبارزه با بزهکاری و مواد مخدر زمینه‌های مستعد برای همکاری هستند؛

- استراتژی همکاری با مراکز اصلی قدرت جهانی دقت بیشتری را ایجاب می‌کند. علی‌رغم برخی استدلالها، اتحادیه اروپایی با وجود توسعه مناسبات با روسیه در زمینه‌های استراتژیک فعلاً به نزدیکی مناسبات تن نمی‌دهد و به امور حاشیه‌ای بسنده می‌کند؛

- توسعه سیبری نیازمند همکاری با همه مراکز اساسی سیاسی و منابع سرمایه جهانی است. باید مشارکت با ایالات متحده را که از نظر سیاسی بسیار مفید است حفظ نمود گرچه در این روابط عناصر سؤظن و سؤتفاهم متقابل افزایش می‌یابد؛

- روسیه توسعه‌ای را در پیش دارد که حصول به آن آسان نخواهد بود. روسیه باید اصلاحات جدی سیاسی و اقتصادی به عمل آورد و تمامیت ارضی خود را حفظ نماید، و در عین حال به نظام جهانی ملحق شود. اگر توان روسیه در درگیری‌های غیرضروری و مضر خرج نشود، روسیه خواهد توانست تا چند سال آینده به رشد کیفی دست یابد. مسئولیت در قبال موفقیت یا ناکامی بر دوش همه‌آنهاست که در نهادهای دولتی و محافل فکری و اجرایی و تصمیم‌گیری‌های نهایی شرکت دارند. در پایان، جهت ارزیابی گزارش نکاتی را یادآور می‌شویم:

۱. تصویری که شورای سیاست خارجی و دفاعی از روسیه ترسیم می‌نماید، تصویری

تیره و تار است. گرچه «شورا» به ظرفیتها و توانایی‌های روسیه در عرصه داخلی و خارجی اشاره می‌کند اما در تشریح اوضاع روسیه، بکارگیری عبارت «بحران عمیق و همه‌جانبه» بیانگر آن است که از دیدگاه قشر آگاه روسیه، شرایط در این کشور حاد است.

از دیدگاه «شورا» دو عامل اساسی یعنی شرایط دوران انتقال و نیز ناتوانی و عدم کفایت رهبران کشور موجبات شرایط فعلی را فراهم آورده است.

۲. تحلیل «شورا» از وضعیت روسیه و پیشنهادات ارائه شده حاکی از آن است که برآیند نظرات اعضای «شورا» را می‌توان در چهارچوب نظرات گروه‌های «راست میانه» محسوب نمود. این طیف، در سیاست داخلی روسیه معتقد به عدم توسل به شیوه‌های کمونیستی و نیز متقابلاً شوکهای اقتصادی و گرایش افراطی به اقتصاد لیبرالی هستند و در سیاست خارجی در عین داشتن یک رابطه معقول با غرب، به استقلال رأی و توجه لازم به دیگر نقاط جهان از سوی دیپلماسی روسیه می‌باشند.

۳. اعضای شورا در گزارش خود بخوبی نشان داده‌اند که بر روند تحولات در جهان معاصر و تأثیرپذیری اجتناب‌ناپذیر روسیه از آن واقف‌اند. جهانی شدن سیاست، اقتصاد و مبادله اطلاعات، هسته اصلی نگرش آنان به جهان معاصر است و نجات روسیه را در قابلیت تطبیق با این روند می‌دانند.

در عین حال، در دیدگاه شورا در خصوص دولت‌گریزی، نوعی افراط به چشم خورده و در تشریح نفس شرکتها و نیروهای اجتماعی در حل و فصل مناقشات نوعی زیاده‌روی مشاهده می‌شود. در عین حال گزارش با اشاره به اینکه «پارامترهای سنتی نیرو و نفوذ... در حاشیه و مرکز نظام کنونی کماکان حفظ شده است نوعی تناقض را در تحلیل خود نشان می‌دهد.

۴. به نظر می‌رسد که اعضای «شورا» در تحلیل برخی مسائل تحت تأثیر دیدگاه‌های غربی و رسانه‌های آنان قرار گرفته‌اند. اشاره به این که «کشورهای آسیایی، آفریقایی و چند کشور شوروی سابق... بزرگترین چالش برای نظام جدید جهانی، مهم‌ترین کانون تروریسم، پناهگاه بزهکاری و منبع خطر اشاعه هسته‌ای هستند» مؤید این مطلب است.

۵. دیدگاه «شورا» در رابطه با ناتوانی اروپا از ایفای نقش مؤثر در آینده، با روند کنونی شتاب کشورهای اروپایی برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر تحولات جهانی همخوانی ندارد. به نظر می‌رسد که بزرگترین چالش آمریکا در آینده، مقابله با تمایل اروپایی‌ها به محدودسازی نقش آمریکا در نظام جهانی می‌باشد.



۶. «شورا» در ترسیم سیاست غرب نسبت به روسیه، در عین اینکه اذعان دارد «غرب با استفاده از ضعف روسیه در جهت پیشبرد منافع خود است و ... با طرح اندیشه کثرت‌گرایی ژئوپلیتیک رهبران جمهوری‌ها را به دوری از مسکو فراخوانده است». در تشریح شرایط جاری در صحنه بین‌الملل، معتقد است که «فشار آشکار نظامی و سیاسی بر روسیه اعمال نمی‌شود و ... (از سوی روسیه) با کشورهای بزرگ جهان روابط سالم و آمیخته به مشارکت برقرار شده است». بر همگان روشن است که هدف اصلی غرب از توسعه ناتو و تشدید روند واگرایی در CIS، در تنگنا قرار دادن روسیه و وادار نمودن این کشور به ترک مواضع استراتژیک خود است. ۷. در بخش پیشنهادات، تأکید شورا مبنی بر اینکه «سیاست خارجی روسیه بایستی در خدمت اصلاحات اقتصادی باشد و نه پاسخ به تهدیدات کلیشه‌ای و تخیلی نظامی - سیاسی» بیانگر ماهیت تدافعی سیاست خارجی روسیه از دیدگاه اعضای شورا و عدم ورود آن به رقابتهای سیاسی منطقه‌ای است. این موضع انفعالی ممکن است از سوی تمامی نیروهای سیاسی روسیه مورد حمایت قرار نگیرد.

۸. علی‌رغم اینکه گزارش به ضرورت اتکای روسیه به قدرت نظامی، ایجاد واحدهای نخبه نظامی، توجه به سلاح هسته‌ای و مدرنیزه کردن آن مطرح شده اما «اقتصادی کردن استراتژی روسیه» محور اصلی نظرات شورا است.

۹. در خصوص روابط روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع، نوعی یأس و نومیدی نسبت به آینده در گزارش شورا مشاهده می‌شود. شورا در عین اینکه تز «همگرایی» از پایین را ارائه می‌نماید اما عموماً راهکارهای اقتصادی برای نیل به همگرایی را پیشنهاد نموده است که این امر با توجه به وضعیت نامساعد اقتصادی در تمامی این جمهوری‌ها، گرایش کلی به اقتصاد غربی و اساساً تمایل رهبران جمهوری‌ها به واگرایی نمی‌تواند آینده روشنی داشته باشد.

۱۰. در مجموع، «شورا» گذر روسیه از مرحله فعلی را منوط به ادامه اصلاحات سیاسی، اقتصادی، الحاق به نظام جهانی، حفظ یکپارچگی در جامعه و تمامیت ارضی روسیه و عدم ورود روسیه به درگیری‌های غیرضروری می‌داند.

منوچهر مرادی

